

Analysis of interpretative concepts in the verse of polygamy

Zohreh Akhavan Moghadam¹

Ali Ahang²

1. Associate Professor of Quranic Sciences and Education University, Faculty of Quranic Sciences, Tehran, Iran – dr.zo.akhavan@gmail.com

2. Assistant Professor of the Department of Interpretation and Qur'anic Sciences. University of Sciences and Education of the Holy Quran Faculty of Quranic Sciences, Bojnourd, Iran (Responsible author). ahang@quran.ac.ir.

DOI: 10.22051/TQH.2023.42522.3768

Scientific article

Received:
2023/01/07
Accepted:
2023/07/03

Keywords:

The third
verse of
Surat An-
Nisa
interpretative
trend
analysis,
concept
analysis,
polygamy.

Abstract: The lack of a clear connection between the beginning and the end of verse three of Surat An-Nisa has given rise to some of the most challenging interpretative perspectives regarding this verse. All these perspectives can be categorized into three concepts: the "contextual concept," "concept based on the cause of descent," and "concept based on distortion and disjunction". The first two concepts aim to uncover the connection between the phrases of the verse, while the latter regards such efforts as fruitless. This study, emphasizing on interpretative trend analysis and relying on a historical examination of interpretative sources, seeks to analyze the aforementioned three concepts to elucidate the factors that contributed to the formation, development, or decline of each concept across different historical periods. The findings indicate that the "contextual concept," which primarily originates from the interpretative school of Mecca and later expanded to the school of Iraq, managed to sustain its existence for several centuries; however, it never succeeded in becoming a dominant perspective. In contrast, the "concept based on the cause of descent," which emerged in Medina and gained prominence through the efforts of hadith scholars, first entered the realm of interpretation in the early third century AH and gradually transformed into an unrivaled perspective and due to Sheikh Tusi's statement of it as belonging to the Shia interpretative domain, it remained a focal point for Shia interpreters for several centuries. The sixth century AH marks the beginning of the "concept based on distortion and disjunction," which later experienced a resurgence during the Safavid era alongside the rise of the Akhbari approach. However, as interest in Akhbari thought waned and the discourse surrounding it diminished, this concept also fell into obscurity and was gradually forgotten.

تحلیل اینگاره‌های تفسیری در آیه تعدد زوجات

علی آهنگ^۲

زهرا اخوان مقدم^۱

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی تهران) dr.zo.akhavan@gmail.com

۲. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی بجنورد، ایران

(نویسنده مسئول). ahang@quran.ac.ir

DOI: 10.22051/TQH.2023.42522.3768

صص:

۲۹-۵۵

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۱/۱۰/۱۷

پذیرش:

۱۴۰۲/۰۴/۱۲

کلیدواژه‌ها:

آیه سوم سوره

نساء،

جریان‌شناسی

تفسیری،

تحلیل اینگاره،

تعدد زوجات.

چکیده: نبود پیوند آشکار بین صدر و ذیل آیه سوم سوره مبارکه نساء،

باعث پدید آمدن چالشی‌ترین دیدگاه‌های تفسیری در ذیل آیه شده است.

مجموع این دیدگاه‌ها تحت سه اینگاره قابل دسته‌بندی است: «اینگاره مبتنی بر

سیاق»، «اینگاره مبتنی بر سبب نزول» و «اینگاره مبتنی بر تحریف و گسست».

دو اینگاره نخست در پی کشف پیوند عبارات آیه می‌باشد؛ ولی اینگاره اخیر، تلاش

در این راستا را بی‌حاصل دانسته است. پژوهش پیش رو با تأکید بر

جریان‌شناسی تفسیری و با تکیه بر مطالعه تاریخی منابع تفسیری، در صدد

تحلیل سه اینگاره فوق می‌باشد، تا از این رهگذر عوامل شکل‌گیری، توسعه و یا

افول هر اینگاره در دوره‌های مختلف زمانی مشخص گردد. نتیجه آنکه «اینگاره

مبتنی بر سیاق» با وجود آنکه شانس یافت تا چندین سده به حیات خود ادامه

دهد، هرگز نتوانست به اینگاره‌ای برتر تبدیل شود؛ زادبوم این اینگاره عموماً

مدرسه تفسیری مکه است ولی تا مدرسه تفسیری عراق نیز توسعه یافته است.

در مقابل، «اینگاره مبتنی بر سبب نزول» که در بوم مدینه متولد شد و با همت

محدثان به توسعه و شهرت رسید. این رویکرد از آغاز سده سوم هجری برای

اولین بار وارد حوزه تفسیر شد و به مرور زمان به اینگاره‌ای بی‌رقیب بدل گشت

و به واسطه تصریح شیخ طوسی مبنی بر تعلق آن به حوزه تفسیری شیعه،

چندین سده نیز مورد توجه مفسران شیعه بود. قرن ششم هجری نقطه آغاز

«اینگاره مبتنی بر تحریف و گسست» محسوب می‌شود که بعدها در دوره صفویه

با اوج‌گیری رویکرد اخباری‌گری، از سوی مفسران حیاتی دوباره یافت؛ اما با

فروکش کردن تب اخباری‌گری و به حاشیه رانده شدن گفتمان اخباری، این

اینگاره نیز به محاق رفته و کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شود.

۱. بیان مسأله

وقتی سخن از تحلیل‌انگاره به میان می‌آید، محقق ناگزیر از اتخاذ رویکردی تاریخی در پژوهش است و باید به دنبال تبیین تحولاتی باشد که یک اندیشه یا انگاره در طول حیات خویش، آنها را تجربه نموده است. از این رو تحلیل‌انگاره از سنخ پژوهش‌های تاریخی-اندیشگانی محسوب می‌شود که در دوران معاصر به محافل اندیشه و پژوهش راه یافته و در ذیل «جریان‌شناسی تفسیری» قابل مطالعه است. «جریان‌شناسی» دانشی است که درباره جریان‌های مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و یا اجتماعی بحث می‌کند. در روند جریان‌شناسی، پیدایی، تطور و زوال جریان‌های مختلف بررسی می‌شود (احمدی حاجیکلائی، ۱۳۸۶ش). «جریان‌شناسی» با وجود نوپا بودن، از جمله مفاهیمی است که در فضای علمی و فکری دوران معاصر با بسامد بالایی تکرار شده است. این مفهوم عموماً به عناوینی همچون «فکری»، «سیاسی»، «فرهنگی» اضافه شده و ترکیب «جریان‌شناسی فکری/فرهنگی/سیاسی» را شکل می‌دهد (نک: ابراهیم‌پور، ۱۳۹۸ش، ص ۱۳۳). «جریان‌شناسی تفسیری» نیز از موضوعاتی است که توجه قرآن‌پژوهان و تفسیرپژوهان معاصر را به خود جلب نموده است. جریان تفسیری به عنوان یک پدیده تاریخی، در گذر زمان تحولاتی را تجربه نموده است که مطالعه نظام‌مند این تحولات در قالب «جریان‌شناسی تفسیری» امکان پذیر است. از سوی دیگر اصطلاح مطالعه «انگاره»‌ها که تا حدودی معادل «پندار» و «تصویر ذهنی از یک موضوع» است، در مطالعات معاصر جایگاه ویژه‌ای یافته و در همه رشته‌های علمی توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. این توجه خاص به دلیل آن است که محققان یافته‌اند در هر رشته‌ای، رأی و نظر نهائی یک اندیشمند، وابستگی تام به انگاره یا تصور او از مبادی و مبانی دارد. در این راستا تحلیل‌انگاره‌های تفسیری چه به صورت عام و چه به صورت خاص و موردی، چنانکه در این مقاله مد نظر است، بخشی از جریان‌شناسی تفسیری محسوب می‌شود. بر این اساس کشف و تبیین انگاره‌های مختلف تفسیری که در طول تاریخ ظهور و بروز نموده و تحلیل علل ماندگاری و فراگیری آنها و یا عوامل خمود و رویگردانی از این انگاره‌ها در دوره‌های زمانی مختلف بسی حائز اهمیت است.

مراد از این‌نگاره، دریافتی است که افراد، از یک موضوع خاص دارند، به شکلی که دریافت آنها با یک اصطلاح یا واژه مشخص نامبردار شده‌است. مراد از «تاریخ این‌نگاره» توجه به مفاهیم و اصطلاحات، از زاویه دید تاریخی آنها در یک پیوستار است. همچنین درکی که مخاطبان در یک بازه زمانی و مکانی داشته‌اند و بر اساس آن درک، به آن موضوع هویت بخشیده‌اند (گرامی، ۱۳۹۶ب، ص ۱۰۶). بر این اساس، این‌نگاره دو خصوصیت مهم دارد. نخست آنکه اجتماعی است و از ساحت فردی کاملاً خارج شده؛ و دوم اینکه حاصل یک فرآیند است که از تاریختی برخوردار می‌باشد (پاکتچی، ۱۳۹۶ش، مقدمه کتاب *تاریخ‌نگاری این‌نگاره‌ای*، ص ۷). بر این اساس، باید توجه داشت که مقصود از این‌نگاره، یک خوانش فلسفی-زیبایی‌شناختی نیست، که بتوان آنرا «صورت ذهنی دارای تأثیر» تعریف نمود و بررسی کرد (قراملکی و ناسخیان، ۱۳۹۵ش، ص ۳۴). در مطالعه با رویکرد تاریخ این‌نگاره، هر مفهوم و اصطلاح از حیث شکل‌گیری، دگرگونی در طول زمان و نیز تثبیت یا نابودی آن مطالعه می‌گردد و علل این اتفاقات، بررسی می‌شود.

به عبارت ساده، این‌نگاره یعنی «تلقی اندیشمندان درباره یک مفهوم یا موضوع، در یک برهه از زمان»، که می‌تواند در زمان‌های مختلف، متفاوت باشد. بدیهی است که این نوع مطالعه‌های تاریخی یا «در زمانی»، در همه علوم کارآیی دارد و نتایج مهمی به بار آورده و از اشتباهات متعددی جلوگیری می‌کند. علوم اسلامی و مطالعات قرآنی از این مهم، مستثنی نیست بلکه به جهت گذشت قرون متمادی، أرجح و اولی از هر گونه نظریه و مطالعه تفسیری و حدیثی و کلامی است. به عنوان نمونه در حوزه کلام، در اوایل قرن سوم هر کس به «مخلوق بودن قرآن» اعتقاد داشت به او «جهمیه» می‌گفتند. در این مورد با این‌نگاره‌ای مواجهیم که یک قرن و نیم بعد، توسعه معنایی پیدا کرده و همه معتزله و بسیاری از گروه‌های دیگر را دربرگرفت (پاکتچی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۷۶). همین تغییر این‌نگاره را به شکل عکس در مفهوم «استحسان» و نیز «عجم» می‌بینیم که ابتدا بسیار گسترده بود ولی دو قرن بعد، دچار تحدید و تضییق معنایی شد (همان، ص ۷۸ تا ۸۰). در حوزه مفاهیم قرآنی هم نمونه فراوان است. مثلاً این‌نگاره عبارت قرآنی «امت وسط» در طول زمان به شدت دچار تغییر معنایی شده (میرحسینی، ۱۳۹۷، ص ۸۶ تا ۴۵) و همین تغییرات در این‌نگاره «قلب»

(بُگم عقبه، ۱۳۹۷، ص ۸۷ تا ۱۰۴) و «نگاره «علم غیب» (گرامی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۴ تا ۲۱۶) و نمونه‌های متعدد دیگر قابل مشاهده است (ن.ک: مهروش، ۱۳۹۷، سراسر کتاب).

به جهت همین اهمیت و شدت اثرگذاری، هر محققى در ابتدا نیاز به بررسی‌نگاره‌ها در زمان‌های مختلف دارد، سپس باید به علل و اسباب تغییر نگاره‌ها توجه کند، چه این تغییر از نوع حذف یا افول باشد و چه از حیث توسیع یا تضییق معنایی؛ چه پژوهش او از نوع ریشه‌شناسی واژه‌ها باشد، چه از نوع بررسی مفاهیم و نظریه‌ها. با وجود آنکه پژوهش در تاریخ نگاره، ریشه در مطالعات فلسفی غرب دارد؛ اما تعمیم آن به سایر حوزه‌های فکری نشان می‌دهد که می‌توان از آن به عنوان مبنایی در مطالعات تفسیری نیز بهره برد. بر این اساس کشف و تبیین نگاره‌های مختلف تفسیری که در طول تاریخ ظهور و بروز نموده و تحلیل علل ماندگاری و فراگیری آنها و یا عوامل خمود و رویگردانی از این نگاره‌ها در دوره‌های زمانی مختلف بسی حائز اهمیت است. پژوهش حاضر تلاش دارد در مسیر مطالعه نگاره‌ها در تفسیر آیه سوم سوره نساء، به این نکات مهم توجه کند.

۲. پیشینه پژوهش

بخشی از پیشینه پژوهش، مجموعه آثاری است که در حوزه «تحلیل نگاره» و «جریان‌شناسی تفسیری» نگاشته شده است؛ از جمله: ۱. «سیر تحول معنایی نگاره «شاکله» در گستره تفاسیر، دوره پیدایش و کلاسیک» (قبادی و درزی، ۱۳۹۷ش، صص ۱۵۷-۱۸۵)؛ ۲. مقاله «متون دینی از بدیهی نگاری تا نگاره زدایی» (احمدی، ۱۴۰۳ش، صص ۱-۲۲)؛ ۳. «جستاری در جریان‌شناسی تفسیر معاصر، با تأکید بر دیدگاه محمداحمد خلف‌الله» (آقایی، ۱۳۸۸ش، صص ۱۲۱-۱۳۶)، این مقاله با تأکید بر جریان‌شناسی تفسیر ادبی و با تمرکز بر آراء خلف‌الله سامان یافته است؛ ۴. نویسنده مقاله «جریان‌شناسی تفسیر عرفانی» (دهپور، ۱۳۹۴ش، صص ۷۵-۹۸)، همان‌طور که از عنوان آن پیداست، به دنبال تبیین تاریخی روند شکل‌گیری و توسعه تفسیر عرفانی بوده است. نگاهی به آثار اندیشمندان اسلامی پیرامون آیه شریفه نیز نشان می‌دهد که نخستین تلاش‌ها برای کشف پیوند مفاهیم آیه، توسط محدثان

صورت گرفته است. بعد از آن، مفسران هر یک تلاش نموده‌اند به نوعی آیه را از زوایای مختلف تحلیل کرده‌اند. قرآن‌پژوهان معاصر نیز پژوهش‌هایی در این راستا پدید آورده‌اند؛ از جمله: ۱. مقاله «بررسی اقوال مختلف مفسران و اندیشمندان اسلامی حول آیه ۳ نساء در قرآن» (مطوری، سامی و خنشا، ۱۴۰۰، صص ۳۹۹-۴۲۱)، نویسنده در این مقاله بیشتر از منظر فقهی به بحث تعدد زوجات پرداخته است؛ ۲. مقاله «بررسی و نقد نظریات مفسران در بیان وجه ارتباط شرط و جزای آیه سوم سوره نساء» (سلطانی رنانی، ۱۳۹۸، صص ۲۲۳-۲۴۶)، در این مقاله چنان‌که از نامش پیداست، فقط کشف رابطه شرط و جزاء در آیه شریفه مدنظر نویسندگان بوده است؛ ۳. مقاله «بررسی تفسیری آیه (فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ)» (اسکندرلو، ۱۳۹۳، صص ۲۵-۳۴)، ادعای وقوع تحریف در آیه را به نقد کشیده و بر تناسب معنوی صدر و ذیل آیه تأکید نموده است؛ ۴. در مقاله «بررسی تفسیری آیه (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى)» (رستمی، محمدحسن و ایمانیه، محمدحسن، ۱۳۹۷، صص ۷-۲۶) نیز به موضوعاتی همچون پیوند شرط و جزا، وجوب یا استحباب امر از دواج و معنای عدالت در آیه توجه شده است؛ ۵. مقاله «بازپژوهی تحلیلی دلالت آیه ۳ سوره نساء بر اصل تک‌همسری یا چندهمسری (خانی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۴۹-۷۰) در حوزه دلالت آیه بحث می‌کند و نگاه تاریخی انگاره ندارد.

هیچ یک از پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون آیه شریفه ناظر به «تحلیل‌انگاره» نیست. آنچه پژوهش حاضر را از این دست مطالعات متمایز می‌سازد، رویکرد تاریخی-اندیشگانی به تحولات تفسیری است تا از این رهگذر تلاش فکری محدثان، مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمان در خصوص آیه شریفه، در دوره‌های مختلف زمانی، تحت عنوان‌انگاره‌های مختلف تفسیری مورد تحلیل «در زمانی» قرار گیرد و در پرتو جریان‌شناسی تفسیری، علل فراگیری و ماندگاری یک انگاره و اسباب افول دیگر انگاره‌های تفسیری تبیین گردد.

۳. مروری بر سوره مبارکه نساء و آیه مورد بحث

سوره نساء چهارمین سوره مصحف شریف است که در مدینه نازل شده و از حیث ترتیب نزول، بعد از سوره «الممتحنة»، و نود و دومین سوره قرآن است و در جزء

چهارم تا ششم قرآن قرار دارد. این سوره نام دیگری ندارد و مشتمل بر ۱۷۶ آیه، از هفت سوره طوال است. روایتی از رسول خدا^(ص) درباره سوره طوال نقل شده مبنی بر اینکه «خداوند هفت سوره طوال را به جای تورات، و سوره‌های مِئین را به جای انجیل، و سوره‌های مثنی را به جای زبور به من داد...» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۴؛ ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۷۳). مفهوم کلی سوره، پنج سرفصل عام دارد که عبارتند از: قانونمند کردن جوامع بشری خصوصاً خانواده، وضع قانون با هدف پشتیبانی از قشر کم‌توان جامعه، آگاهی بخشی در مقابل دشمنان و منافقان، مباحث مرتبط با حکومت، و لزوم هجرت در مواقع خاص. این سوره از حیث تعداد کلمات و حروف، طولانی‌ترین سوره بعد از «البقرة» است و علت نامگذاری سوره، گستردگی مباحث مربوط به احکام زنان می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۲۴۱). در این سوره، چندین آیه وجود دارد که بین مفسران، پیوسته مورد مناقشه بوده و نظرهای متفاوتی در معنای برخی آیات ارائه شده است؛ از جمله آیه مورد بحث نوشتار حاضر ناظر بر تعدد زوجات، آیات نشوز، آیه اولو الامر، و آیات ناظر بر ارث. گفتنی است که برخی اختلاف نظرها مشترک بین فریقین است و برخی رویکرد بین المذهبی دارد.

۴. انگاره‌های مختلف تفسیری پیرامون آیه سوّم نساء

آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِیْآلِیْتَامِی فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنِی وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُعَدِلُوا فَوَاحِدَهُ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَیْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (النساء: ۳) از جمله آیاتی است که دیدگاه‌های مختلف تفسیری در خصوص آن شکل گرفته است. گفته‌اند جواب شرط «وَإِنْ خِفْتُمْ...»، عبارت «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...» (نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۹۹ و عموم مفسران)، یا «فَوَاحِدَةً: آی: فَانْكِحُوا وَاحِدَةً» (عکبری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۷) و یا عبارت محذوف «فَلَاتَنْكِحُوهُنَّ» یا «فَانْكِحُوا غَیْرَهُنَّ» و عباراتی نظیر آن (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۵) می‌باشد. نبود پیوند آشکار بین شرط و جزا و بلکه وجود نوعی گسست محتوایی بین آنها، دشواره‌ای تفسیری را رقم زده است که حل آن دغدغه دیرینه محدثان، مفسران و قرآن پژوهان بوده است. حاصل این تلاش فکری عالمان مسلمان، پدید آمدن مجموعه دیدگاه‌های

تفسیری پیرامون آیه سوم سوره نساء می‌باشد که پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی، هر یک از آنها را یک «انگاره» برشمرده و همه را تحت سه انگاره قابل تحلیل و بررسی می‌داند. برای تحلیل هر کدام از این اینگاره‌ها، توجه به موقعیت‌ها و تحولاتی که در دوره‌های زمانی مختلف بر آن اینگاره گذشته، اعم از شکل‌گیری، توسعه و یا افول آن، بسیار حائز اهمیت است.

۴-۱. اینگاره مبتنی بر سیاق

سیاق نوعی ویژگی برای واژگان، جملات/عبارات و آیات قرآن کریم می‌باشد که در اثر هم‌نشینی با دیگر واژگان، عبارات و آیات پدید می‌آید. بر این اساس شاهد انواع سیاق همچون: سیاق کلمات، سیاق جملات، سیاق آیات و بعضاً سیاق سور هستیم (ر.ک: بابایی و دیگران (الف)، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۹). همچنین گفته‌اند سیاق، ساختاری کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای آنها اثر می‌گذارد (همو (ب)، ۱۳۸۷ش، ص ۹۲). به طور معمول آن دسته از آیاتی که واحد نزول یکسانی دارند و یا از وحدت موضوع برخوردارند، دارای سیاق واحدی هستند. آیات نخست سوره مبارکه نساء نیز سیاق واحدی را تشکیل می‌دهند که این وحدت سیاق تا آیه ۶ کاملاً هویدا است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۵۱) و تا آیه ۱۴ ارتباط و انسجام خود را حفظ می‌کند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۵۴)؛ از این رو برخی از مفسران نخستین تلاش نموده‌اند تا گره تفسیری موجود در آیه را که در اثر عدم همخوانی صدر و ذیل آیه پدید آمده، با تکیه بر سیاق برطرف نمایند. کنکاش در داده‌های تفسیری این دسته از مفسران نشان می‌دهد که نخستین تلاش‌ها در فهم آیه شریفه و کشف پیوند فقرات صدر و ذیل آن، مبتنی بر فهم سیاقی بوده است که آن را «انگاره مبتنی بر سیاق» می‌نامیم.

اگرچه تفکیک مجموعه‌های حدیثی از مجموعه‌های تفسیری به ویژه در سده‌های نخست هجری کار دشواری است. اما وجود برخی مکتوبه‌های تفسیری منسوب به افرادی که به تفسیرنویسی شهره بوده‌اند، همچون ابن عباس (م ۶۸ق)، مجاهد (م ۱۰۴ق)، مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق) و مانند ایشان کافی است تا از نظرات تفسیری نخستین آگاهی کسب کنیم. تعدادی از این مفسران به سیاق مجموعی

نظر داشته و به تفسیر آیه پرداخته‌اند بی‌آنکه پیوند آیه مورد بحث با آیه خاصی را متذکر شوند؛ مثلاً عکرمه و در نقلی ابن عباس معتقدند: افرادی بنا به رسم جاهلیت با زنان زیادی ازدواج می‌کردند و چون در تهیه مخارج زندگی به مشکلی برمی‌خوردند، به اموال یتیمان تحت سرپرستی خود دست‌اندازی می‌کردند، که خداوند متعال با تحدید دایره ازدواج، آنها را از این کار بازداشت (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۴؛ با کمی تغییر در: ابن عباس، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۴، طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۳). به نظر می‌رسد راوی در صدد بیان رسم جاهلی در ازدواج با زنان بسیار (اعم از مادران یتیم و غیره) می‌باشد؛ لذا طبری در ادامه به نقل از ابن عباس می‌افزاید: محدودیت ازدواج مردان با چهار زن به خاطر حفظ مال یتیمان تشریح شد (طبری، همانجا).

شاگردان مکتب تفسیری ابن عباس، همچون سعیدبن جبیر، قتاده و سُدی نیز معتقدند: «آیه درباره آنهاست که نسبت به رعایت حقوق یتیمان حساس هستند؛ اما نسبت به رعایت عدالت در بین زنان بی‌تفاوت‌اند، زنان را به نکاح درآورده ولی رعایت عدالت نمی‌کنند، لذا امر می‌کند که بیش از چهار همسر اختیار نکنند» (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۳). مجاهدبن جبر مکی (م ۱۰۴ق) در بیانی متفاوت‌تر می‌گوید: «آیه شریفه در صدد بیان این نکته است که به میزانی که نسبت به اموال یتیمان احتیاط به خرج می‌دهید، از راه حلال ازدواج کنید تا به زنا نیفتید» (مجاهد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۶۶).

خداوند متعال در آیه دوم سوره مبارکه نساء، از دست‌اندازی به اموال یتیمان برحذر داشته و آنرا گناهی بزرگ محسوب نموده است؛ از این رو فرّاء (م ۲۰۷ق) با تصریح به پیوند آیه دوم و سوم این سوره مبارکه می‌گوید: «همانطور که با شنیدن آیه «و لتأکلوا أموالهم...» (النساء: ۲) از ترس افتادن در گناه، به کلی از یتیمان فاصله گرفتید، با چندین زن نیز ازدواج نکنید؛ زیرا ثمره چنین ازدواجی بی‌عدالتی در حق آنهاست» (فرّاء، ۱۹۸۰م، ج ۱، ص ۲۵۳).

برخی دیگر از مفسران نخستین تلاش نموده‌اند تا با پیوند آیه مورد بحث با آیه دهم این سوره مبارکه نقشی در حل دشواره تفسیری آیه داشته باشند؛ مثلاً مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق)، فهم این آیه شریفه را با آیه دهم این سوره مبارکه پیوند

می‌زند و می‌گوید: «پس از نزول آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (النساء: ۱۰)، برخی از سرپرستان چنان جانب احتیاط را برگزیدند که به کلی خورد و خوراک خویش را از یتیمان جدا نمودند، اما همین افراد نسبت به عدالت‌ورزی با همسران متعددی که داشتند هیچ تلاشی نمی‌کردند؛ لذا آیه شریفه آنها را به عدالت در حق زنان دعوت نموده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۵۶).

بنابر آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که زادبوم «انگاره مبتنی بر سیاق»، مدرسه تفسیری مکه می‌باشد و تا مدرسه تفسیری عراق نیز توسعه یافته و تلاش می‌کند تا چالش موجود در آیه سوم سوره نساء را با تکیه بر سیاق و از طریق پیوند این آیه با آیات پیشین و یا آیات بعدی حل نماید. راه‌یابی این انگاره به تفاسیر جامع در قرون بعدی؛ اگرچه باعث شد نظرات تفسیری منسوب به ابن عباس و شاگردان مکتب تفسیری وی همچون عکرمه، قتاده و مجاهد، تا چندین سده به حیات خود ادامه دهد؛ اما هرگز نتوانست بر خلاف انگاره مبتنی بر سبب نزول، به انگاره برتر تبدیل شوند. تا جایی که بخش زیادی از مفسران معاصر بی‌هیچ اشاره‌ای به «انگاره مبتنی بر سیاق»، نظر منسوب به عایشه (انگاره مبتنی بر سبب نزول) را به عنوان تفسیر آیه مطرح نموده‌اند (ر.ک: حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۰۰؛ سیدقطب، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷۷؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۳۴۴؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۲).

۴-۲. انگاره مبتنی بر سبب نزول

مطالعه تاریخی دیدگاه‌هایی که در صدد تفسیر آیه و کشف رابطه واژگانی و محتوایی آن بوده، نشان می‌دهد که حاصل این تلاش فکری، ارائه مجموعه دیدگاه‌های تفسیری می‌باشد که «انگاره مبتنی بر سبب نزول» را شکل می‌دهد. این انگاره که محدثان سهم به سزایی در تثبیت آن داشتند پربسامدترین نظریه است که به نوعی حکایت از مقبولیت عام آن نیز دارد. در ادامه، فرآیند تحولات پدید آمده پیرامون این انگاره تفسیری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عروة بن زبیر از عایشه نقل نموده که گفت: این آیه درباره دختران یتیمی نازل شد که به خاطر مال یا جمالشان، مورد طمع سرپرستان دنیا دوست قرار می‌گرفتند، به طوری که یا به خاطر جمال آنان، نمی‌گذاشتند ازدواج کنند و یا به خاطر مال آنان، مهریه نمی‌دادند. بر این اساس آیه شریفه نازل شد و آنها را امر به ازدواج با دیگر زنان نمود تا جلوی ظلم به آنها گرفته شود (نک. طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۵).

متن روایت بنابر یکی از گزارش‌های بخاری چنین است: «عروة بن زبیر از عایشه درباره آیه سوم نساء سؤال کرد. وی گفت: این آیه درباره دختران یتیمی نازل شد که تحت سرپرستی دیگران بودند و به خاطر مال یا جمالشان مطمح نظر سرپرستان قرار می‌گرفتند؛ لذا آنان را با مهریه‌ای کمتر نسبت به دیگران، به عقد خود درمی‌آوردند. با این آیه، ایشان از چنین نکاح‌هایی منع شدند مگر آنکه مهریه یتیمان را کامل پرداخت کنند و یا با زنان دیگر ازدواج نمایند. عایشه ادامه داد: بعد از آن، مردم از پیامبر طلب فتوا نمودند. اما خدا فرمود که «از تو طلب فتوا می‌کنند، بگو فتوا درباره زنان داده شده است». زیرا خدا در آیه سوم نساء تبیین کرده که چنانچه این دختران یتیم دارای مال و جمال بودند، سرپرست آنان، رغبت به ازدواج با آنها داشت بدون آنکه حق واقعی آنها در مهریه را پرداخت کند، ولی اگر مال و جمال آن یتیمان، قلیل بود رغبتی به ازدواج با ایشان نداشت و به دنبال نکاح زنان دیگر می‌رفت. گفت: همان‌گونه که به خاطر قلت مال و جمال، از ایشان دوری می‌کنید، اگر میل به ایشان هم داشتید نباید حقشان ضایع شود و در مورد مهریه، عدالت را رعایت نمایید (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۹).

بنا بر این گزارش، چنانچه آن را حاصل فرایند طبیعی نقل روایت بدانیم، سوال عروة در خصوص آیه سوم سوره نساء می‌باشد؛ از این رو عایشه توضیح می‌دهد که این آیه درباره دختر خوانده‌های یتیمی نازل شده که به خاطر مال یا جمالشان، از نظر افرادی که سرپرستی آنها را بر عهده داشتند گزینه مناسبی برای ازدواج محسوب می‌شدند. آنها علیرغم گرایش به چنین ازدواجی که انگیزه‌های مادی یا ظاهری در آن پررنگ بود، حاضر به ادای کامل حقوق این دختران یتیم در خصوص مهریه نبودند. لذا خداوند متعال ازدواج با چنین دخترانی را آن هم با انگیزه‌های صرفاً مالی و ظاهری منع نمود و جواز نکاح با دیگر زنان را صادر فرمود. اگرچه تا اینجای سخن

عایشه، پاسخ سوال عروۀ را پوشش می‌دهد؛ اما وی ترجیح می‌دهد فهم این آیه را با آیه ۱۲۷ پیوند بزند، که می‌فرماید: « وَیَسْتَفْتُونَكَ فِی النِّسَاءِ قُلِ اللّٰهُ یُفْتِیْكُمْ فِیْهِنَّ وَمَا یَنْلِیْ عَلَیْكُمْ فِی الْكِتَابِ فِی النِّسَاءِ الَّتِی لَا تُؤْتُوْنَھُنَّ مَا كُتِبَ لَھُنَّ وَتَزَعِبُوْنَ اَنْ تَنْكِحُوْھُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِیْنَ مِنَ الْوُلْدِیْنَ وَاَنْ تَقُوْمُوْا لِیَّتِمَّیْ بِالْقِسْطِ وَ مَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَیْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَاْنَ بِهٖ عَلِیْمًا ». بعد از نزول آیه سوم نساء، صحابه دوباره از پیامبر (ص) درباره زنان استفتاء نمودند تا اینکه آیه (وَیَسْتَفْتُونَكَ فِی النِّسَاءِ قُلِ اللّٰهُ یُفْتِیْكُمْ فِیْهِنَّ) (النساء : ۱۲۷) نازل شد. توضیحات پایانی این گزارش تاکیددی دوباره بر فهم مجموعی دو آیه است. لذا می‌افزاید که آیه سوم، سرپرستان را از ازدواج با دختران یتیم صرفاً بر اساس انگیزه‌های مادی و ظاهری منع نموده و آیه ۱۲۷ این سوره آنها را از إجحاف در حق دختران یتیمی که زیبایی ظاهری یا مال نداشتند، باز داشته است.

فربگی متن گزارش حتی اگر اصل آن را انکار نکنیم، امکان پذیرش جزئیات آن را با کمی تردید مواجه می‌سازد. منابع روایی اعم از حدیثی و تفسیری که این سبب نزول را با سند آورده اند، طریق منفردی را گزارش نموده‌اند که همگی در ابن شهاب زهری به اشتراک می‌رسند و با یک یا دو واسطه از عایشه نقل می‌شوند. مطالعات حدیث‌شناختی معاصر که بر شناسایی حلقه مشترک در روایات تمرکز نموده‌اند، یافته‌های در خور توجهی را ارائه می‌دهند که نتیجه آن کشف روایانی است که یا خود عامل توسعه و ترویج یک اندیشه بوده‌اند و یا دیگران از شهرت و جایگاه آنها در راستای نشر یک ایده استفاده نموده‌اند. ابن شهاب زهری که حلقه مشترک تمامی این روایات می‌باشد، می‌تواند نمونه مناسبی برای این دست تحقیقات باشد. «و از آن جا که ثبت نظام‌مند حدیث و وقایع سده نخست هجری هم‌زمان با فرمان عمر بن عبدالعزیز صورت گرفت و نام زهری در میان اولین مدوّنان رسمی حدیث به چشم می‌خورد، وی نخستین کسی است که می‌توانسته با گزینش اخبار و انتقال مفاهیم کلیدی به نسل بعد از خود، نقش بی‌بدیلی در شکل‌دهی فرهنگی جامعه اسلامی ایفا کند» (آهنگ و آریانفر، ۱۴۰۰، ص ۱۵۳).

توجه به نکات تاریخی دیگر، پیرامون این موضوع کارگشا است. گزارش دیگری در اواخر سده هجری وجود دارد که در نوع خود منحصر به فرد و حاوی نکات

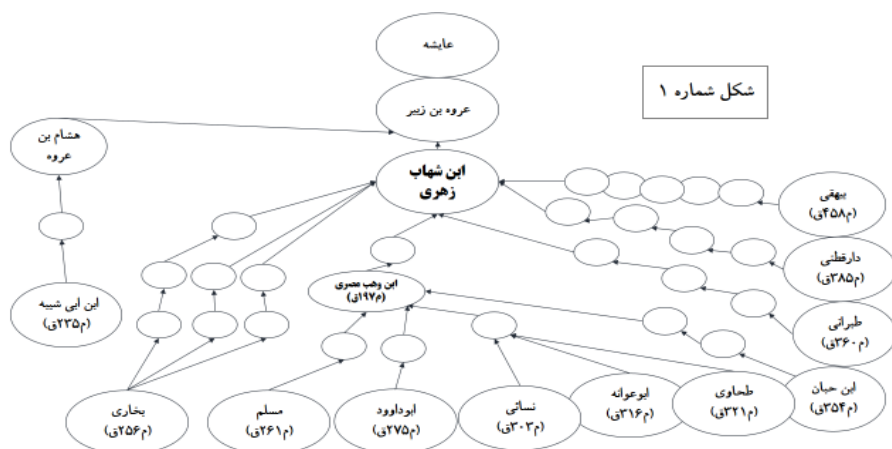
در خور توجهی است. این گزارش نیز پس از اشتراک در زهری از عروۀ نقل می‌شود: «... عن الزُّهْرِي، عن عُرْوَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ وَهُوَ أُمِيرٌ عَلَى الْمَدِينَةِ وَعِنْدَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، وَ قَدْ اجْتَمَعَ عِنْدَهُ عُلَمَاءُ الْبُلْدَانِ وَ هُمْ يَسْأَلُونَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ (وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى) حَتَّى بَلَغَ (وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً). قَالَ: فَقَالَ عُرْوَةَ: حَدَّثَنِي عَائِشَةُ...» (بزار، ۱۹۸۸م، ج ۱۸، ص ۱۸۷). بنابر این گزارش، بزار (م ۲۹۲ق) موقعیتی را به تصویر می‌کشد که در زمان امارت عمر بن عبدالعزیز بر مدینه (تا سال ۹۳ هجری)، علما پیرامون وی حلقه زده و تفسیر آیه سوم سوره نساء را به مباحثه گذاشته بودند، در این میان عروۀ بن زبیر آنچه را که از عایشه در خصوص آیه شریفه شنیده بود برای آنها روایت نمود. این گزارش نشان می‌دهد که حداقل تا سال‌های پایانی سده نخست هجری، اجماعی نسبت به پذیرش انگاره تفسیری منسوب به عایشه وجود نداشته و این تلاش‌های زهری و استادش عروه بوده که زمینه‌ی چنین پذیرشی را فراهم نموده است.

زمانی که ابن‌شهاب زهری تصمیم به ترویج متن این روایت گرفت، تقریباً کسی جز خودش طریقی به آن نداشت؛ حتی برخی از شاگردان شاخص زهری در قرن دوم هجری، که اتفاقاً آثارشان به دست ما رسیده، همچون مالک بن انس (م ۱۷۹ق) و ابن‌اسحاق (م ۱۵۲ق) و نیز شخصیت برجسته قرن سوم هجری؛ یعنی احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) اشاره‌ای به این روایت نکرده‌اند؛ نیز ابوبکر بن ابی‌شبهه (م ۲۳۵ق) دیگر محدث برجسته اهل سنت در نیمه نخست قرن سوم هجری ترجیح می‌دهد بدون آنکه نامی از زهری ببرد، روایت فوق را به سند خویش از عروۀ از عایشه نقل کند (ابن‌ابی‌شبهه، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۳). اولین گزارش از این روایت را ابن‌وهب مصری (م ۱۹۷ق) به دست می‌دهد (۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۵۵). این گزارش تقریباً بدون هیچ تغییری و یا با کمترین تغییر به منابع بعدی راه یافته است.

گزارش ابن‌وهب مصری (م ۱۹۷ق) در اواخر سده دوم هجری، و پس از او، عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ق) در آغاز سده سوم هجری (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۳۲) که هر دو از شاگردان با واسطه ابن‌شهاب زهری محسوب می‌شوند، زمینه را برای تثبیت این انگاره تفسیری در میان محدثان برجسته نسل بعدی فراهم نمود. لذا درست یک قرن بعد؛ یعنی زمانی که مجموعه‌های روایی اهل سنت پا به منصفه ظهور گذاشتند،

همگی پذیرفته بودند که تنها طریقشان به متن این روایت، از ابن شهاب زهری می‌گذرد.

از این رو تا اواسط قرن پنجم هجری محدثانی همچون بخاری (م ۲۶۵ق)، مسلم نیشابوری (م ۲۶۱ق)، ابوداود (م ۲۷۵ق)، نسائی (م ۳۰۳ق)، طبری (م ۳۱۰ق)، ابوعوانه اسفراینی (م ۳۱۶ق)، طحاوی (م ۳۲۱ق)، ابن حبان (م ۳۵۴ق)، طبرانی (م ۳۶۰ق)، دارقطنی (م ۳۸۵ق) و بیهقی (م ۴۵۸ق) در مجموع ۱۴ طریق به ابن شهاب زهری دارند^۱ (شکل شماره ۱). توسعه این روایت در گستره وسیعی از منابع روایی نشان دهنده موفقیت زهری در ترویج و تثبیت این نظریه تفسیری می‌باشد.



مننی که با تلاش ابن شهاب زهری ترویج و تثبیت شد و با همت محدثان به توسعه و شهرت رسید؛ اما در میان مفسران نیاز به زمان بیشتری داشت تا به عنوان یک نظریه تفسیری بلامنازع جای خود را در صدر نظرات تفسیری باز کند. چنان که پیش از این نیز دیدیم، در میان تفاسیر به جای مانده از سده‌ی دوم هجری، هیچ اثری از نظریه تفسیری منسوب به عایشه نیست (نک: ابن عباس، بی تا، ج ۱، ص ۸۲؛

۱. نک. بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۳۹؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۱۳؛ ابوداود، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۴؛ نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابوعوانه اسفراینی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۳۸؛ طحاوی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۴۱۷؛ ابن حبان، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۳۸۲؛ طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۹۳؛ دارقطنی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۳۹۴؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۲۲۷.

مجاهد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۶۶؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۵۷). اما از آغاز سده سوم هجری با گزارش عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۰ق) برای اولین بار نظریه تفسیری منسوب به عایشه وارد حوزه تفسیر می‌شود و به مرور زمان به انگاره‌ای برتر در تفسیر بدل می‌شود. با این وجود، سده هشتم هجری نقطه عطفی در تبدیل این نظریه تفسیری به انگاره‌ای فراگیر با مقبولیت عام به حساب می‌آید. ابن کثیر (م ۷۷۴ق) مفسر حدیث‌گرای قرن هشتم هجری با نقل روایت منسوب به عایشه و گزارش مجموعه روایاتی در تایید آن و حذف دیگر نظرات تفسیری تلاش می‌کند آن را بر صدر دیدگاه‌های تفسیری بنشانند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۸۳). نتیجه این تلاش باعث شد مفسران بعدی به ویژه مفسران سده‌های اخیر، تقریباً همگی بپذیرند که انگاره تفسیری منسوب به عایشه، انگاره برتر است. برخی مانند ابن عاشور بدان تصریح نموده (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۶) و برخی دیگر، تنها نظریه منسوب به عایشه را نقل نموده‌اند، بی‌آنکه به سایر دیدگاه‌های تفسیری اشاره کنند (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۰۰).

نگاهی به منابع تفسیری شیعه نیز نشان می‌دهد که از زمان شیخ طوسی، انگاره تفسیری مبتنی بر سبب نزول و منسوب به عایشه با بسامد بیشتری نقل شده است. شیخ طوسی با اشاره به اختلاف دیدگاه‌های شش‌گانه در خصوص سبب نزول آیه شریفه، اولین دیدگاه را به بیان نظر منسوب به عایشه اختصاص می‌دهد (طوسی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۰۳). به تبع وی، طبرسی، ابوالفتوح رازی و حتی برخی از مفسران معاصر نیز این دیدگاه را در صدر سایر دیدگاه‌های تفسیری مطرح می‌کنند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۳۹؛ شریف لاهیجی (اشکوری)، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۵۸۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۱۷، ص ۲۳۸). البته شاید از جمله عوامل توجه به این انگاره تفسیری، تصریح شیخ طوسی به تعلق این انگاره به حوزه حدیثی شیعه باشد. وی پس از اشاره به دیدگاه تفسیری منسوب به عایشه می‌گوید: «و مثل هذا دُکِرَ فیتفسر أصحابنا» (طوسی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۰۳)، مسأله‌ای که توسط مفسران بعدی نیز تکرار شده است.

۴-۳. انگاره مبتنی بر تحریف و گسست

در اینجا شاهد یک خوشه‌انگاره هستیم که از «انگاره تحریف» به عنوان نقطه کانونی این خوشه‌انگاره آغاز می‌شود، آنگاه «انگاره تفسیری مبتنی بر تحریف» شکل گرفته و سپس به «انگاره گسست» می‌انجامد. این انگاره اگرچه به عنوان یک پدیده اندیشگانی، حداقل در میان طیفی از مفسران شیعه (اخباریان) شناخته شده است؛ اما نتوانست به جریانی غالب در سنت تفسیری بدل شود.

در نگاهی به تاریخ تطور انگاره‌های تفسیری پیرامون آیه شریفه، باید قرن ششم هجری را نقطه آغاز انگاره مبتنی بر تحریف تلقی کرد. زیرا دست‌کم بر اساس منابع موجود، پیش از این قرن گزارشی از این انگاره در دست نیست. برای اولین بار ابومنصور طبرسی (قرن ششم هجری)، گزارشی را به دست می‌دهد که در آن، امیرالمؤمنین^(ع) در پاسخ زندیقی که قائل به عدم ارتباط صدر و ذیل آیه بود فرمود: این ناهمگونی ثمره دستبرد منافقان در قرآن کریم می‌باشد. بیش از یک سوم قرآن شامل انواع خطابات و قصص در این بین افتاده است (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۹۸).

این گزارش کافی بود تا همزمان با غلبه دیدگاه اخباری در دوره صفویه (قرن دهم تا سیزدهم هجری)، مفسران با استناد بدان هرگونه ارتباط و پیوندی را بین شرط و جزا در آیه انکار کنند و به نبود پیوند بین صدر و ذیل آیه، به دلیل حذف آیات معتنابهی از میانه آیه اذعان کنند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۲۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۳۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۲۱).

آنچه در خصوص گزارش صاحب/احتجاج، فارغ از همه بحث‌ها و مجادلاتی که درباره صحت و سقم گزارش وی وجود دارد، حائز اهمیت است، تمایل به این انگاره در پاره‌ای از برهه‌های زمانی بوده است. حتی اگر این گزارش، سراسر ساختگی باشد، حداقل تعلق آن به قرن ششم هجری و کمی قبل از آن قابل انکار نیست. اینکه چرا با وجود نگارش تفاسیر معتبری چون تبیان شیخ طوسی، مجمع البیان طبرسی، روض الجنان ابوالفتوح رازی و حتی تفسیر قمی، به یکباره چنین انگاره‌ای در خصوص آیه شریفه ظهور و بروز می‌کند، خود نکته‌ای است که می‌تواند از جهت بررسی تاریخی حائز اهمیت باشد.

چنانکه از عنوان کتاب *الاحتجاج علی اهل اللجاج* پیداست، این کتاب با رویکرد جدلی نوشته شده و معمولاً در چنین رویکردی تکیه بر نقاط ضعف خصم از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو در دوره‌های زمانی مختلف، بخشی از گروه‌های شیعی، به انگاره تحریف تمایل نشان داده‌اند. این انگاره فارغ از خاستگاه غالیانه آن، در فضایی جدلی شکل گرفته است. بنابراین ابومنصور طبرسی (قرن ۶ هجری) تفسیر آیه را بر انگاره‌ای پیشین (انگاره تحریف) بنا نهاده است. در دوره صفویه نیز که دوباره شاهد اوج‌گیری اخباری‌گری با رویکرد جدلی هستیم، مفسران با تکیه بر گزارش *الاحتجاج*، حیاتی دوباره به این انگاره می‌بخشند؛ اما با فروکش کردن تب اخباری‌گری و به حاشیه رانده شدن گفتمان اخباری، این انگاره نیز به محاق رفته و کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شود.

پس از ضعیف شدن انگاره تفسیری مبتنی بر تحریف، انگاره گسست به معنای عدم ارتباط شرط با جزا به وجود آمد. برخی از مفسران بدون توجه به اصل انسجام و اتصال آیات، هر فقره از آیه شریفه را به آیه‌ای دیگر در سوره نساء پیوند می‌زنند. پی‌جویی چنین دیدگاهی ما را به گزارشی از تفسیر قمی می‌رساند: «و أما قوله «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى...» قال: نزلت مع قوله تعالى «وَإِسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ...» (النساء: ۱۲۷)، فنصف الآية فيأول السورة و نصفها على رأسه المائة و عشرين آیه» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۰). در بخشی از این گزارش، آیه چنین بازسازی شده است: «وَإِسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فَيَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِيلا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ، «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مُنْنًا وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ» (همان). البته این گزارش، ناقص به نظر می‌رسد؛ زیرا به هنگام بازسازی آیه، تنها جواب شرط یعنی (فانکحوا...) را به آیه ۱۲۷ افزوده است ولی در خصوص خود شرط یعنی (و إن خفتم...) سکوت نموده است.

برخی از مفسران معاصر در راستای ترمیم این نقیصه، ضمن تصریح به عدم انسجام فقرات آیه شریفه، می‌گویند: ترتیب فعلی آیات و سور قرآن کریم به ترتیب نزول نمی‌باشد. چه بسا آیات و سوره‌هایی که در اوایل بعثت نازل شده ولی در آخر قرآن قرار گرفته‌اند و یا بالعکس و یا بسیاری از آیات شریفه در اثنای سوره‌ای دیگر

جای گرفته و حتی یک آیه از اجزاء متفرق آیات دیگر تشکیل شده است، مانند آیه اِکْمَالِ. وی در خصوص آیه سوم سوره نساء می‌افزاید: جمله «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى» جزء آیه دیگری بوده و جمله «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» جزو آیه‌ای دیگر. از این رو هیچ رابطه‌ای بین این دو فقره از آیه متصور نیست و تلاش مفسران در کشف پیوند عبارات آیه را تلاشی بی‌حاصل و نظرات آنها را تأویلات بارده دانسته است. ایشان با استناد به گزارش تفسیر قمی و دیگر مفسرانی که نام نمی‌برد این آیه شریفه را بخشی از آیه ۱۲۷ همین سوره می‌داند. اما در نهایت فراتر از گزارش قمی و در راستای تکمیل دیدگاه وی، اینگونه به بازسازی آیه می‌پردازد: و اما جمله «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى» جزء آیه ششم همین سوره است به این نحو «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ - وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى - فَإِنْ أَنْسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَ ...» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۹؛ خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۹).

چنانکه ملاحظه می‌شود بر پایه این انگاره صدر آیه (شرط) با آیه ششم و ذیل آیه (جواب) با آیه ۱۲۷ این سوره مبارکه پیوند می‌خورد، از این رو هیچ ارتباطی بین اجزاء آیه شریفه وجود ندارد بلکه این عدم همبستگی در سراسر آیات قرآن کریم نیز قابل پی‌جویی است.

• نتیجه

از مجموع آنچه گذشت، نتایج زیر اتخاذ می‌گردد:

- ۱- نبود پیوند آشکار بین صدر و ذیل آیه سوم سوره مبارکه نساء، باعث پدید آمدن چالشی‌ترین دیدگاه‌های تفسیری در ذیل آیه شده است.
- ۲- مجموع دیدگاه‌های تفسیری پیرامون این آیه تحت سه‌انگاره قابل دسته‌بندی است: «انگاره مبتنی بر سیاق»؛ «انگاره مبتنی بر سبب نزول» و «انگاره مبتنی بر تحریف و گسست».
- ۳- دو انگاره نخست در پی کشف پیوند عبارات آیه می‌باشد، ولی قائلان به انگاره اخیر، تلاش در این راستا را بی‌حاصل دانسته‌اند.

۴- انگاره مبتنی بر سبب نزول به واسطه انتسابش به عایشه و برخورداری از اتصال سند در میان اهل سنت، با گذشت زمان و با تلاش محدثان و مفسران به انگاره‌ای بی‌رقیب بدل گشت.

۵- این انگاره به واسطه تصریح شیخ طوسی به تعلق آن به حوزه تفسیری شیعه، چندین سده مورد توجه مفسران شیعه بود؛ اما مفسران معاصر چندان توجهی بدان نشان نداده‌اند.

۶- انگاره مبتنی بر تحریف و گسست که قائل به عدم وجود پیوستگی بین صدر و ذیل آیه هستند، تنها در برهه‌هایی محدود و از سوی مفسرانی معدود در تفاسیر شیعی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

منابع:

- **قرآن کریم**، ترجمه: محمدمهدی فولادوند (۱۴۱۸ق)، چاپ سوم. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۱. آلوسی، محمودبن عبدالله (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ۲. آهنگ، علی و آریان فر مهدی (۱۴۰۰ش). تحلیل فقه الحدیثی روایات رجم در منابع اهل سنت و نقش ابن شهاب زهری در تثبیت آن. *مطالعات فهم حدیث*. ۷(۱۴)، ۱۴۱-۱۵۹. <https://doi.org/10.30479/mfh.2021.2338>
- ۳. ابراهیم‌پور، علی (۱۳۹۸ش). روش شناسی «جریان‌شناسی» به مثابه دانشی میان رشته‌ای مبتنی بر پارادایم علم اسلامی. *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*. (۱۶)، ۱۲۳-۱۳۳.
- ۴. ابن‌ابی‌شیبہ، ابوبکر عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ق)، *مصنّف ابن‌ابی‌شیبہ*. تحقیق: کمال یوسف الحوت. چاپ اول. ریاض: مکتبه الرشد.
- ۵. ابن‌حبّان، محمدبن حبّان بن احمد البُستی (۱۴۰۸ق). *الإحسان فی تقریب صحیح ابن‌حبّان*. تحقیق: شعیب الأرناؤوط. چاپ اول. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۶. ابن‌عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر*. چاپ اول. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ۷. ابن‌عباس، عبدالله بن عباس (بی‌تا). *تنویر المقیاس من تفسیر ابن‌عباس*. به کوشش: محمدبن یعقوب فیروزآبادی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۸. ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۹. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)*. تحقیق: محمدحسین شمس‌الدین. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۰. ابن وهب مصری، عبدالله بن وهب (۱۴۲۵ق). *تفسیر القرآن من جامع لابن وهب*، تحقیق: دکتر رفعت فوزی و دیگران. چاپ اول. بی‌جا: دارالوفاء.
۱۱. أبو عوانة، یعقوب بن اسحاق اسفراینی (۱۴۱۹ق). *مستخرج ابی عوانة*. تحقیق: ایمن بن عارف الدمشقی. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفة.
۱۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان*. تحقیق: محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳. احمد بن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد شیبانی (۱۴۱۲ق). *مسند احمد*. تحقیق: شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول.
۱۴. احمدی، حمید (۱۳۸۶ش). *جریان‌شناسی سیاسی. رهیافت انقلاب اسلامی*. (۳)، ۲۹-۴۴.
۱۵. احمدی، محمدحسن (۱۴۰۳ش). *متون دینی از بدیهی‌ی‌نگاری تا‌ی‌نگاره‌ی‌زدایی. تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۲۱(۲)، ۱-۲۲.
- DOI:10.22051/iqh.2023.44936.3999
۱۶. اسکندرلو، محمدجواد (۱۳۹۳ش). *بررسی تفسیری آیة (فانکحوا ما طاب لکم من النساء)*. *مطالعات تفسیری*. (۲۰)، ۲۵-۳۴.
۱۷. بابایی، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۸۷ش-الف). *روش‌شناسی تفسیر قرآن*. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت.
۱۸. بابایی، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۸۷ش-ب). *روش تفسیر قرآن*. چاپ سوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری*. تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. چاپ اول. بی‌جا: بی‌نا.
۲۰. بزار، احمد بن عمرو (۱۹۸۸م). *مسند البزار*. تحقیق: محفوظ‌الرحمان زین‌الله و دیگران. چاپ اول. المدینة المنورة: مكتبة العلوم والحکم.
۲۱. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. تحقیق: عبدالله محمود شحاته. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث.

۲۲. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۴۲۴ق). *السنن الكبرى*. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا. چاپ سوم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۳. پاکتچی، احمد (۱۳۸۹ش). *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*. دو جلد، چاپ اول. تهران: انجمن علمی الهیات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۴. پاکتچی، احمد (۱۳۹۶ش). *مقدمه کتاب تاریخ نگاری انگاره‌ای*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۵. پاکتچی، احمد (۱۳۹۷ش). *تاریخ انگاره صبر، مسیرشناسی خوشه‌های انگاره‌ای. مجموعه مقالات اولین همایش ملی کاربرد رویکرد تاریخ انگاره در مطالعات قرآنی*. چاپ اول. گرگان: دانشگاه آزاد اسلامی (پژوهشکده قرآن و عترت).
۲۶. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). *تفسیر روح البیان*. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
۲۷. دارقطنی، ابوالحسن علی بن عمر (۴۲۴ق). *سنن دارالقطنی*. تحقیق: شعیب الأرئوط و دیگران. چاپ اول. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۸. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث (بی تا). *سنن ابی داود*. تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید. بیروت: المكتبة العصرية.
۲۹. سلطانی رنایی، محمد (۱۳۹۸ش). *بررسی و نقد نظریات مفسران در بیان وجه ارتباط شرط و جزای آیه سوم سوره نساء. پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، ۵(۲)، ۲۲۳-۲۴۶.
- DOI:10.22091/PTT.2019.2718.1280
۳۰. سید قطب، سید ابراهیم شاذلی (بی تا). *فی ظلال القرآن*. نرم افزار المكتبة الشاملة.
۳۱. صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۹ق). *تفسیر عبدالرزاق*. تحقیق: محمود محمد عبده. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۲. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق). *مسند الشامیین*. تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی. چاپ اول. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۳. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۴۱۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. تحقیق: ابراهیم بهادری و محمد هادی، با اشراف: جعفر سبحانی. چاپ اول. قم: اسوة.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
۳۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفة.
۳۶. طحاوی، ابوجعفر احمد بن محمد (۱۴۱۵ق). *شرح مشکل الآثار*. تحقیق: شعیب الأرئوط. چاپ اول. بی جا: مؤسسة الرسالة.

۳۷. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: احمد حبیب العاملی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. تهران: اسلام.
۳۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *نورالثقلین*. تصحیح: هاشم رسولی. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
۴۰. عقبه، بگم (۱۳۹۷ش). تحول انگاره قرآنی قلب در فرهنگ اسلامی. *مجموعه مقالات اولین همایش ملی کاربرد رویکرد تاریخ انگاره در مطالعات قرآنی*. چاپ اول. گرگان: دانشگاه آزاد اسلامی (پژوهشکده قرآن و عترت).
۴۱. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تحقیق: حسن اعلمی. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.
۴۲. فرامرز قراملکی، احد؛ ناسخیان، علی اکبر (۱۳۹۵ش). *قدرت انگاره*. تهران: انتشارات مجنون.
۴۳. قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق). *محاسن التأویل*. تحقیق: محمد باسل عیون السود. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۴. قبادی، فرشته، درزی، قاسم (۱۳۹۷ش). سیر تحول معنایی انگاره «شاکله» در گستره تفاسیر، دوره پیدایش و کلاسیک. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ۱۵(۴)، ۱۵۷-۱۸۵. DOI:10.22051/tqh.2019.20997.2118
۴۵. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۳۶۳ق). *تفسیر قمی*. تحقیق: طیب موسوی جزایری. چاپ سوم. قم: دارالکتب.
۴۶. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش). *کنز الدقائق و بحر الفرائب*. تحقیق: حسن درگاهی. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۷. گرامی، سید محمد هادی (۱۳۹۶ش-الف). *نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه: رویکردها، گفتمان‌ها، انگاره‌ها و جریان‌ها*. چاپ اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
۴۸. گرامی، سید محمد هادی (۱۳۹۶ش-ب). *مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای*. چاپ اول. دانشگاه امام صادق (ع).
۴۹. گرامی، سید محمد هادی (۱۳۹۷ش). انگاره علم غیب در فرهنگ و اندیشه متقدم شیعه. *مجموعه مقالات اولین همایش ملی کاربرد رویکرد تاریخ انگاره در مطالعات قرآنی*. چاپ اول. گرگان: دانشگاه آزاد اسلامی (پژوهشکده قرآن و عترت).

۵۰. مالک بن انس (۱۴۲۵ق). **الموطأ**. تحقیق: محمد مصطفی الأعظمی. چاپ اول. امارات: مؤسسة زاید بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية و الإنسانية.
۵۱. مجاهد، ابوالحجاج مجاهد بن جبر مکی (۱۴۱۰ق). **تفسیر مجاهد**. تحقیق: محمد عبدالسلام ابوالنبیل. چاپ اول. مصر: دارالفکر الاسلامی الحدیثه.
۵۲. مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). **صحیح مسلم**. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۳. مطوری، علی؛ سامی، محمد جواد و خنشا، علیرضا (۱۴۰۰ش). بررسی اقوال مختلف مفسران و اندیشمندان اسلامی حول آیه ۳ سوره نساء در قرآن. **مطالعات قرآنی**. ۱۲(۴۷)، ۳۹۹-۴۲۱. DOI: qsf.2021.684511/۱۰/۳۰۴۹۵
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸ش). **تفسیر نمونه**. چاپ چهل و چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۵. مهروش، فرهنگ (۱۳۹۷ش). **مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی کاربرد رویکرد تاریخ انگاره در مطالعات قرآنی**. مشتمل بر نه مقاله. چاپ اول. گرگان: دانشگاه آزاد اسلامی (پژوهشکده قرآن و عترت).
۵۶. میرحسینی، یحیی (۱۳۹۷ش). تاریخ انگاره «امت وسط» و مقایسه آن با برساخت‌های معنایی واژه. **مجموعه مقالات اولین همایش ملی کاربرد رویکرد تاریخ انگاره در مطالعات قرآنی**. چاپ اول. چاپ اول. گرگان: دانشگاه آزاد اسلامی (پژوهشکده قرآن و عترت).
۵۷. نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب (۱۴۲۱ق). **السنن الکبری**. تحقیق: حسن عبدالمنعم شبلی. چاپ اول. بیروت: مؤسسة الرسالة.

References:

- The Holy Quran: Fooladvand, Mohammad Mehdi (1418 AH), Translation of the Qur'an, Research: Dar al-Qur'an al-Karim Faculty, Tehran: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Persian]
- 1. Ālūsī, Maḥmūd ibn 'Abd Allāh (1415 AH). Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Aẓīm wa al-Sab' al-Muthānī. Taḥqīq: 'Alī 'Abd al-Bārī 'Aṭīyah. Bayrūt: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic].
- 2. Āhang, Ali and ĀrianFar Mahdi (1400), " Analysis of the jurisprudential hadith narrations of stoning (Rajm) in Sunni narration sources and the role of "Ibn Shihab al-Zuhri" in establishing it.", Studies of Fahn Hadith, 2(14), 141-159, <https://doi.org/10.30479/mfh.2021.2338> [In Persian]
- 3. Ebrahimpour, Ali (1398), "Methodology of "flow science" as an interdisciplinary knowledge based on the paradigm of Islamic science", Basic Humanities Research, 16, 133-173. [In Persian]
- 4. Ibn Abi Shaybah, Abu Bakr Abdullah bin Muhammad (1409 AH), Ibn Abi Shaybah's Mosannaf, research: Kamal Yusuf Al-Hoot, Riyadh: Al-Roshd Library, first edition. [In Arabic]
- 5. Ibn Hibbaan, Muhammad ibn Hibbaan ibn Ahmad al-Busti (1408 AH), Al-Ihsan fi Taqrib Sahih ibn Hibban, edited by Shu'aib al-Arnout, Beirut: Muassasat al-Risalah, first edition. [In Arabic]
- 6. Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1420 AH), Tahrir and al-Tanweer, Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Institute, first edition. [In Arabic]
- 7. Ibn Abbas, Abdullah ibn Abbas (undated), Tanwir al-Miqbas min Tafsir ibn Abbas, edited by Muhammad ibn Ya'qub Firuzabadi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- 8. Ibn Attiyah Andalusi, Abd al-Haqq ibn Ghalib (1422 AH), al-Moharrar al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, research: Abd al-Salam Abd al-Shafi Muhammad, Beirut: Dar al-Kotob al-Elamiya, first edition. [In Arabic]
- 9. Ibn Kathir, Ismail ibn Kathir (1419 AH), Tafsir al-Qur'an al-Azim (Tafsir Ibn Kathir), edited by Mohammad Hussein Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, first edition. [In Arabic]
- 10. Ibn Wahb, Abdullah ibn Wahb (1425 AH), Tafsir al-Qur'an min Jami' li Ibn Wahb, edited by Dr. Raf'at Fawzi and others, Beirut: Dar al-Wafa, first edition. [In Arabic]

11. Abu A'waneh, Ya'qub bin Ishaq Esfraini (1419 AH), Abi A'waneh's book, research: Ayman bin Aref al-Damashqi, Beirut: Dar al-Ma'rafa, first edition. [In Arabic]
12. Abul Futūh Rāzī, Hossein ibn Ali (1408 AH), Rawd al-Jinān wa Rawh al-Janān fī Tafsīr al-Qur'an, researcher: Mohammad Mahdi Naseh and Mohammad Jaafar Yahaghi, Mashhad: Āstān Quds Razawī Islamic Research Foundation, first edition. [In Arabic]
13. Ahmad ibn Hanbal, Abu Abdullah Ahmad ibn Muhammad al-Shaybani (1412 AH), Musnad Ahmad, edited by Shu'aib al-Arnout and others, Beirut: Muassasat al-Risalah, first edition. [In Arabic]
14. Ahmadi, Hamid (1386 SH), Jaryan Shenasi Siyasi, Rahyaft Enqelab Islami, 3, 29-44. [In Persian]
15. Ahmadi, Mohammad Hassan. (2024). The Divine Texts, from Self-Evident to Avoiding Deconceptualization. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 21(2), 1-22. doi: 10.22051/tqh.2023.44936.3999 [In Persian]
16. Eskandarloo M. Commentary Analysis of the Verse “ Fānkihū Mā Ṭāba Lakum Mina An-Nisā' ”, Exegetical Studies, 5(20), 25-34. URL: <http://tafsir.maaref.ac.ir/article-1-1409-en.html> [In Persian]
17. Babaei, Ali Akbar et al (2009), *Methodology of the Qur'an Interpretation*, Research Institute of Hawzeh and University, Tehran: Samt. [In Persian]
18. Babaei, Ali Akbar, *The Method of the Interpretation of the Qur'an*. Qom: Seminary and University Research Institute. 3d ed. [In Persian]
19. Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1422 AH), Sahih al-Bukhari (ed: Nasser, Muhammad Zuhair ibn Nasser), NP: Dar Tawq al-Najat. [In Arabic]
20. Bazzar, Ahmad bin Amr Abu Bakr al-Bazzar (1988), Musnad al-Bazzar, research: Mahfouz-al-Rahman Zainullah and others, Al-Madinah al-Nura: Maktaba al-Ulum wa al-Hikam, first edition. [In Arabic]
21. Balkhī Abu al-Hassan Maqātil ibn Sulaymān (1423 AH) Tafsīr el-Maqātil ibn Sulaymān. Researcher: Mahmoud Abdallah Shahhatah, Beirut: Dar Ihya' Al-Turāth, 1 ed. [In Arabic]
22. Beihaqi, Abu Bakr Ahmad ibn Hussein (1424 AH), Al-Sunan al-Kubrā, research: Muhammad Abd al-Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kutub al- 'Ilmiyya. [In Arabic]

23. Paktachi, Ahmad (2010), research method based on the field of Qur'anic and Hadith sciences, 2 V., published by the Theological Society of Imam Sadiq (AS) University, first edition. [In Persian]
24. Paktachi, Ahmad (2017), Introduction to the book of figurative historiography, Imam Sadiq (AS) University Press, first edition. [In Persian]
25. Pakatchi, Ahmad (2018). "The History of the Concept of Patience (Sabr): Pathway Analysis of Conceptual Clusters." Published in the proceedings of the First National Conference on the Application of the Historical Approach to Quranic Studies, 1st edition. [In Persian]
26. Haqqī Borsawī, Ismail bin Mustafa (nd), Rouh Al-Bayān, Beirut: Dar Al-Fikr, 1st edition. [In Arabic]
27. Dar Quṭnī, Abu al-Hasan Ali ibn Umar (1424 AH), Sunan al-Dar Quṭnī, edited by Shu'aib al-Arno'ut and others, Beirut: Muassasat al-Risalah, first edition. [In Arabic]
28. Sijistanī, 'Abu Dāwūd Sulaiman ibn Ash'ath. (n.d.) Al-Sunan Abī Dāwūd. research: Muhammad Moheiddin Abd ul-Hamid, Beirut: Al- 'Aṣrīyah Institute. [In Arabic]
29. Soltani Renani, M. (2020). Evaluation of the relationship between Condition and clause in The third verse of Sura Nesa. *Comparative Interpretation Research*, 5(2), 221-246. doi: 10.22091/ptt.2019.2718.1280 [In Persian]
30. Sayed Qutb, Ibn Ibrahim Shazilī (n.d), *Fī Zilāl al-Qur'an*, Al-Maktabat al-Shamila. [In Arabic]
31. San'ānī,; Abu Bakr Abd al-Razzāq ibn Hammam (1419 AH), *Abdul Razzāq's Interpretation*, Research: Mahmoud Muhammad 'Abduh, Beirut: Dar al-Kutub al- 'Ilmāyya. 1th ed. [In Arabic]
32. Ṭabarānī, Sulaiman ibn Ahmad. (1405AH) Musnad al-Shāmayn. Research: Ḥamdī al-Sulfā. Beirut: Al-Risalah Institute; 1th ed.
33. Ṭabrisī, Abu Mansour Ahmad ibn 'Alī (1413 AH), Al-Ihtijāj 'Alā Ahl al-Lijāj, ed: Ebrahim Bahadori and Muhammad Hadi, with scholars: Ja'far Sobhani, Qom: Oswah, 1th ed.
34. Tabrisī, Fadl ibn Hassan (1993), Majma' al-Bayan fī Tafsūr al-Qur'an, edited: Fazlullah Yazdi Tabatabai and Hashem Rasouli, Tehran: Nasir Khusraw Publications, 3d ed. [In Arabic]
35. Ṭabarī, Muhammad ibn Jarīr (1412 AH), *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an*, Beirut: Dār al-Ma'rifah, 1th ed.

36. Ṭahāwī, Abu Ja'far Ahmad ibn Muhammad (1415 AH), description of the Moshkel al-Athar, research: Sho'aib al-Arna'ut, Al-Rasalah Institute, 1th ed.
37. Ṭūsī, Abū Ja'far Muhammad ibn Hasan, (n.d.) *Al-tibyān fī Tafṣīr Al-qur'ān*. Research by: Ahmad Habib 'āmilī, Beirut: Dār Ihya' Al-turāth Al-'arabī; 1th ed.
38. Tayyeb, Abd al-hossein, (1369 SH), *Atib al-Bayan fi Tafṣir al-Quran*, Tehran: Islam, 2nd ed. [In Persian]
39. 'Arūsī Ḥuwiyzī, 'Abd 'Ali ibn Jum'ah (1415 AH), *Tafṣīr Nūr al-Thaqalayn*, edited: Hashim Rasooli, Qom: Ismā'īlīyān, 4th ed.
40. 'Aqaba, Baghom (1397), "The evolution of the Quranic image of the heart in Islamic culture", published in the collection of articles of the first national conference on the application of the history of image approach in Quranic studies, first edition.
41. Faiz Kāshānī, Mulla Mohsen Muhammad ibn Shah Morteza (1415 AH), *Al-sāfi fi Tafṣīr al-Qur'an*, edited: Hassan Aalami, Tehran: Sadr Publications. [In Arabic]
42. Faramarz Qaramaleki, Ahad Nasekhian, Ali Akbar (1395), *Gudrat e- Ingareh*, Tehran: Majnoon Publications.
43. Ghasemi, Muhammad Jamal al-Din (1418 AH), *Mahasen al-Ta'wil*, research: Muhammad Ba'sel Ayoun al-Soud, Beirut: Dar al-Kutub al- 'Ilmāyya., 1th ed. [In Arabic]
44. Ghobadi, F., & Darzi, G. (2019). The Semantic Evolution of the Concept of "Shākilah" in the Range of Exegeses and the Period of Origin and Classics. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 15(4), 156-184. doi: 10.22051/tqh.2019.20997.2118 [In Persian]
45. Qomī, Ali ibn Ibrahim (1984), *Tafṣīr al-Qomī*, Research: Tayib Mousavi Jaza'irī, Qom: Dar al-Kitāb, 3rd ed. [In Arabic]
46. Qomī Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Reza (1989), *Tafṣīr Kanz al-Daqā'iq wa Bahr al-Gharā'ib*, edited: Hassan Darghahi, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance, 1th ed. [In Arabic]
47. Gerami, Seyyed Mohammad Hadi (1396), A, *The First Shia Hadith Thoughts: Approaches, Discourses, Concepts and Currents*, Tehran: Imam Sadiq University (AS), 1th ed. [In Persian]
48. Gerami, Seyyed Mohammad Hadi (1396), B, *An introduction to conceptual and ideological historiography*, Imam Sadiq University (AS), 1th ed. [In Persian]

49. Gerami, Seyyed Mohammad Hadi (1397), The concept of the unseen in early Shiite culture and thought, published in the collection of papers of the first national conference on the application of the historical approach of the concept in Quranic studies, 1th ed. [In Persian]
50. Mālik Ibn 'Anas (1425 AH), *Al-Muwatta'*, [ed. Muḥammad Muṣṭafā A'zamī,] Abu Dhabi: Zāyidebn Sulṭān Āl-Nahyān Foundation, 1th ed.
51. Mujahid, Abu al-Hajjaj Mujahid ibn Jabr Makki (1410 AH), *Tafsir Mujahid*, research: Muhammad Abd al-Salam Abul al-Nabil, Egypt: Dar al-Fikr al-Islami al-Hadithah, 1th ed. [In Arabic]
52. Muslim ibn al-Hajjāj, Abu al-Hasan (n.d.), *al-Sahīh*, Research: Muhammad Fou'ād Abd al-Bāqī, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabi. [In Arabic]
53. Maturi, Ali, Mohammad Javad Sami and Alireza Khansha (1400), "A study of the various sayings of Islamic commentators and thinkers about verse 3 of Surah Nisa in the Qur'an", *Qur'anic Studies*, 47, 399-421. [In Persian]
54. Makārim Shīrāzī, Naṣir, (1398 HS), *Tafsīr-e Nemuneh (Selected Exegesis)*. Tehran: Dār Al-Kutub Al-Islāmīyah; 44th ed.
55. Mehrwash, Farhang (1397), by effort, a collection of selected articles of the first national conference on the application of the conceptual history approach in Quranic studies, consisting of nine articles, Islamic Azad University Publications, Quran and Atrat Research Institute, 1th ed.
56. Mir Hosseini, Yahya (1397 HS), the history of the concept of "Ummat e- Wasat" and its comparison with the semantic constructions of the word, published in the collection of articles of the first national conference on the application of the concept of history in Quranic studies, 1th ed.
57. Nasā'ī, Abu Abd al-Rahman Ahmad ibn Shu'ayb (1421 AH). *Al-Sunan al-Kubrā*, research: Hasan Abd al-Moneim Shibli, Beirut: Al-Resalah Institute, 1st ed.